



علل رشد و توسعه صندوق های قرض الحسنه و ورود این موسسات به فعالیت های اقتصادی

حسنات و سیئات

همه چیز زیر سر دولت است. این گزاره ای است که در بررسی اغلب زمینه های اقتصادی به آن برمی خوریم. به عبارتی بسیاری از نارسایی های اقتصادی از نظر کارشناسان به حساب دولتی بودن اقتصاد در ایران گذاشته می شود. بازار پول و اعتبار و نظام بانکداری نیز از این امر مستثنی نیست. در چند سال اخیر در کنار بانک های بزرگ، صندوق های قرض الحسنه رشد و توسعه یافتند. گو اینکه ایجاد این صندوق ها برای پاسخگویی به نیازهای خرد مردم در اغلب نظام های بانکی - از دولتی گرفته تا خصوصی - توجیه پذیر است، اما آنچه که این صندوق ها را از مشابه آنها در گذشته و از نظام بانکداری غیردولتی متمایز کرده، توسعه غیرقابل انکار و جذب مقادیر بالایی از وجوه بازار است. همین خصیصه به گفته کارشناسان باعث واکنش نظام بانکی دولت در کشور شده است. هرچند صندوق های قرض الحسنه سهم اندکی از بازار پول را به خود اختصاص داده اند. گذشته از اختلالاتی که به ادعای برخی از صاحب نظران گسترش قرض الحسنه ها بویژه به لحاظ ورود این صندوق ها در عملیات بانکداری در نظام بانکی کشور ایجاد می کند، هر از چند گاهی بحران های مالی برخی از صندوق ها نیز گریبان سپرده گذاران را می گیرد؛ و اتفاقاً این ماجرای دوم بازتاب های اجتماعی سریع تر و تأثیر گذارتری دارد و لزوم ساماندهی به وضعیت صندوق های قرض الحسنه را بیش از پیش مطرح می کند.

مالی صندوق نیز بیشتر می شود، چه اگر میزان سپرده گذاری در دوره های بعدی کاهش یابد، پرداخت وام به سپرده گذار نیز با مشکل مواجه می شود. بسیاری از صندوق های قرض الحسنه برای گریز از این دو روند غیرقابل اجتناب به سرمایه گذاری در فعالیت هایی نظیر ساخت و ساز و بورس پناه آورده اند. این مسیری است که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان با نفس وجودی قرض الحسنه در تضاد است و به نوعی ورود به فعالیت های غیر مرتبط و بانکی محسوب می شود. در سال های اخیر کم نبوده اند، صندوق هایی که با به دلیل استهلاک سرمایه و با به دلیل سرمایه گذاری های نابجا دچار ورشکستگی شده اند و اتفاقاً هجوم سپرده گذاران در این مقاطع جهت استرداد وجوه خود به بحران مالی صندوق نیز دامن زده است. با این همه هنوز صندوق های قرض الحسنه مشتری های پروپاقرصی دارند و هر روز به میزان محبوبیت آنها افزوده می شود.

ضرورت استفسار

اینکه گسترش صندوق های قرض الحسنه را به دولت نسبت دادیم، پر بیراه نیست، اما نه به آن معنا که دولت به طور مستقیم در این امر دخالت دارد. بلکه به گفته دکتر حسن کدخدایی، استاد دانشگاه تهران، نظام بانکداری دولتی علت اساسی شکل گیری این صندوق هاست. چون این نظام باعث شده بخش عمده تسهیلات با عنوان تسهیلات تکلیفی به سمت دولت برود. در نتیجه بخش خصوصی و عامه مردم از بازار پول نصیب عمده ای ندارند. دکتر کدخدایی می گوید: «بانکداری

تاریخ پیدایش صندوق های قرض الحسنه به سال های پیش از انقلاب برمی گردد. در آن زمان اغلب فعالان حوزه بازار به شیوه ای سنتی در حاشیه بازار اقدام به تأسیس صندوق های قرض الحسنه می کردند، اما پس از انقلاب این صندوق ها گسترش یافتند و تحت تأثیر شرایط بوجود آمده، نقش موثری در بازار پول و اعتبار پیدا کردند. گو اینکه مقاصد خیرخواهانه مؤسسان بسیاری از این صندوق ها غیرقابل انکار است.

در فضیلت استقرار

بارزترین ویژگی صندوق های قرض الحسنه، اعطای وام های کم بهره و گاه بدون بهره به سپرده گذاران است. این ویژگی به اضافه شرایط ساده تر پرداخت وام و سرعت عمل این صندوق ها نسبت به نظام بانکداری دولتی اقبال مردم و رونق کسب و کار را برای آنها به همراه آورد. اغلب صندوق های قرض الحسنه از شیوه پلکانی برای پرداخت وام بهره می برند. به عبارتی سپرده گذار پس از پایان دوره ای شش ماهه می تواند، از وامی معادل میزان سپرده خود بهره ببرد. در شرایطی که نرخ تورم به طور رسمی هر سال از سوی بانک مرکزی رقمی در حدود ۱۵ درصد اعلام می شود و با احتساب میزان افزایش دارایی (مثل افزایش قیمت مسکن) که نرخ غیررسمی تورم را به چیزی حدود ۱۸ درصد می رساند، نرخ بهره وام های قرض الحسنه با در نظر گرفتن کارمزد، حداکثر به رقمی حدود ۳ درصد می رسد. با این وضعیت ارزش اعتباری سرمایه های سرمایه گذاران صندوق های قرض الحسنه هر سال کاهش می یابد. از طرفی به تدریج که نوبت وام سپرده گذاران فرا می رسد، احتمال بحران

که همواره از سوی بسیاری از مسؤولان و صاحب نظران مطرح می شود. به گفته دکتر کدخدایی سیستم بانکی دولتی کنترل های خاصی دارد، بنابراین کسانی که قصد پولشویی از طریق سیستم بانکی را دارند، با مشکلاتی مواجه می شوند: «مؤسسات مالی بهترین کانال برای کسانی هستند که می خواهند پولشویی کنند. این مؤسسات به عنوان شخصیت حقوقی به شکل مشروع و قانونی می توانند در هر بانکی حساب داشته باشند و پروسه سوال را طی نکنند.» وی احتمال اینکه برخی پولشویی ها از طریق این مؤسسات انجام شود را رد نمی کند. اما به اعتقاد دکتر پژویان چون جریان وجوه عموماً در ایران کنترل نمی شود، افراد چندان نیازمند قرض الحسنه ها برای انجام پولشویی نیستند. آنچه که واضح است، مشکلاتی است که اکنون بسیاری از صندوق های قرض الحسنه با آن دست به گریباند. آشنا نبودن با قواعد بانکی در سطح کلان، ورود غیر حساب شده به فعالیت های اقتصادی و دلایلی نظیر اینها از جمله عوامل مشکل زای صندوق های قرض الحسنه است. پیش از این از شیوه غالب قرض الحسنه ها سخن به میان آوردیم. پرداخت پلکانی وام می تواند از مشکلات اصلی این صندوق ها باشد به طوری که خواهناخواه پس از چند سال با کاهش سپرده گذاری، چک هایی روی دست مشتریان قرض الحسنه ها می ماند که قابل وصول نیست.

دکتر کدخدایی می گوید: «چون این مؤسسات سیستم بودجه ریزی بانکی را رعایت نمی کنند، دچار اینگونه معضلات می شوند. براساس نظام مالی بانکی باید همواره بانک ها و مؤسسات پولی بخشی از منابع را به عنوان وام واگذار کند و درصد دیگری را به عنوان ذخایر نگاه دارند، تا بتواند در شرایط خاص به سرعت به مراجعات پاسخ دهند و در برابر سپرده گذار به مشکلی برخوردند. اما در این صندوق ها برعکس عمل می شود. چون از مدیریت بانکی به خوبی بهره نبرده اند، نتوانستند، برای سپرده گذاران اطمینان بخش باشند. از سویی بدنامی یکی از این مؤسسات عموماً به قیمت بی اعتباری بقیه تمام شده است.»

البته برخی نیز احتمال مسایلی فراتر از مسایل اقتصادی در خدشه وارد کردن به فعالیت های قرض الحسنه ها را منتفی نمی دانند. چنان که به گفته دکتر پژویان جذب وجوه مردم توسط این صندوق ها، باعث عصبانیت بانک مرکزی شده است. مسایل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و بازرگانی از جمله مسایلی است که دکتر کدخدایی وجود آنها را در پدید آمدن مشکلات قرض الحسنه ها دخیل می داند: «هر چند تاکنون اطلاعاتی دال بر وجود این دلایل منتشر نشده، اما به نظر می رسد، مسایل قرض الحسنه ها و مشکلاتی که آنها به آن متهم می شوند، چیزی فراتر از رعایت نکردن نظام بانکی باشد.»

دکتر کدخدایی نیز وجود این صندوق ها را به لحاظ تخصصی لازم می داند. «در تمام دنیا در کنار بانک ها، مؤسسات پولی ارائه دهنده تسهیلات خرد به عامه مردم خدمت می دهند. این مؤسسات مانند مغازه های خرده فروشی سرکوپه هستند که نیازهای خرد مردم را تأمین می کنند. در انگلستان اینگونه مؤسسات ده ها و صدها شعبه دارند. در فرهنگ ما نیز این مؤسسات، هم به لحاظ قانونی و هم شرعی پایگاه قابل قبولی دارند.»

... و اما استنتاج

وجودشان لازم است، اما باید تحت نظارت و کنترل در آیند. بی شک مؤسسات قرض الحسنه باید به تناسب کاری که انجام می دهند، تعریف جدیدی بیابند. برای مثال آن دسته که وارد فعالیت های بزرگ اقتصادی می شوند، می توانند عنوان خود را به موسسه مالی اعتباری تغییر داده و با استفاده از ضوابط این مؤسسات به فعالیت خود به شکل رسمی و علمی ادامه دهند. از جمله دستاوردهای مدیریت مالی در دنیای جدید، شفافیت است. این صندوق ها نیز به عنوان فعالان اقتصادی ملزم به شفاف سازی سیستم مالی خود هستند. گو اینکه لایحه ساماندهی وضعیت صندوق های قرض الحسنه از سوی شورای نگهبان برای اصلاح پاره ای از ایرادهای عودت داده شده، اما تصویب این لایحه می تواند این مؤسسات را زیر چتر رسمی نظارت دولتی قرار دهد. با این وصف صندوق های قرض الحسنه تحت این عنوان تنها می توانند به انجام امور قرض الحسنه ای مبادرت ورزند و سیستم وام پلکانی نیز از عملیات مالی آنها حذف خواهد شد. با این حال به نظر نمی رسد، تنها تصویب این لایحه بتواند مشکلات حاکم بر بازار مالی، اعتباری ایران را حل کند.

دولتی به اندازه تقاضای مردم عرضه ندارد و قید و بندهای زیادی برای اعطای تسهیلات فراهم کرده است. از سویی بالا رفتن هزینه زندگی و نبود تعادل میان درآمد و هزینه خانوار باعث شده بسیاری از مردم نیازمند تسهیلات بانکی باشند. در چنین شرایطی این مؤسسات برای پر کردن این خلأ پدید آمدند.»

ناکارایی نظام بانکی دولتی نکته ای است که مورد تأیید اغلب کارشناسان اقتصادی قرار می گیرد. حتی دکتر جمشید پژویان، استاد دانشگاه علامه طباطبائی، رونق شرکت های مضاربه ای و انتشار انواع اوراق مشارکت را نیز به این ناکارآمدی نسبت می دهد. به گفته وی اگر نظام بانکداری بتواند منطبق با خواسته های مردم خدمات خود را ارائه دهد، مجال فعالیت گسترده چنین موسساتی فراهم نمی شود. پژویان می گوید: «نه تنها رونق صندوق های قرض الحسنه، بلکه رونق شرکت های مضاربه ای و انتشار اوراق مشارکت در دهه اخیر به دلیل ناکارآمدی نظام بانکی دولتی صورت گرفت. با این تفاوت که چون اوراق مشارکت نیازمند تأیید بانک های رسمی کشور بود به اندازه شرکت های مضاربه ای و صندوق های قرض الحسنه رونق پیدا نکرد.»

همان گونه که گفته شد صرف نظر از علل رشد و توسعه صندوق های قرض الحسنه، ورود این مؤسسات به فعالیت های اقتصادی تبعاتی به دنبال دارد، گو اینکه این تبعات به اعتقاد برخی از کارشناسان مثبت به اعتقاد برخی منفی است. مخالفان معتقدند در اختیار گرفتن منابع بزرگ مالی از سوی این صندوق ها می تواند ثبات اقتصادی یک نظام را تحت تأثیر قرار دهد. بحران مالی آلبانی که حاصل تجمع وجوه مردم در جایی خارج از سیستم بانکی رسمی بود، به عنوان یک نمونه از سوی برخی از صاحب نظران مطرح می شود. بی شک صندوقی با بیش از ۵۰۰ هزار نفر سپرده گذار، دیگر حکم یک موسسه مالی را دارد که نیازمند نظارت کامل و دقیق دولت است، اما به اعتقاد دکتر کدخدایی صرف نظر از مشکلات و مسایلی که برخی از اینها به وجود آورده اند، این صندوق ها عموماً در جهت تأمین نیازهای مالی جامعه حرکت کرده اند: «به همین دلیل جامعه استقبال زیادی از اینها به عمل آورد.»

دکتر پژویان نیز فعالیت صندوق های قرض الحسنه را برای انجام یک سری کارهای تعاونی در بین مردم بسیار مفید می داند: «اینکه کسی پولی را جایی بگذارد که مردم بیایند و وام بگیرند، کار خوبی است، اما تبدیل این مؤسسات به بنگاه اقتصادی می تواند اختلالاتی در بازار پول و اعتبار ایجاد کند.»

اما حتی مخالفان فعالیت صندوق های قرض الحسنه نیز به این امر اذعان دارند که سهم اندک این صندوق ها در بازار پول کشور هرگز نمی تواند بحران را باشد. با این حال در یکی دو سال اخیر موضع گیری ها علیه صندوق های قرض الحسنه شدت بیشتری گرفته است. بسیاری این مخالفت ها را که عمدتاً از ناحیه بانک ها صورت می گیرد ناشی از رقابت نامحسوس سیستم بانکی با صندوق های قرض الحسنه می دانند. به اعتقاد دکتر پژویان طبیعی است که جذب مشتری توسط صندوق های قرض الحسنه چندان خوشایند بانک ها نباشد: «بانک های دولتی از نظر نقدینگی پاسخگوی مردم نیستند. چرا که به دلیل دولتی بودن به دنبال مشتری بیشتر و سود بالاتر نیستند.»

از سوی دیگر تأسیس بانک های خصوصی بویژه اگر با ارائه تسهیلات متنوع همراه باشد، می تواند بازار قرض الحسنه ها را از رونق بیاندازد. اما مسأله اساسی در این میان، پیروی بانک های خصوصی از نظام بانکی دولتی است، گو اینکه شرایط پرداخت تسهیلات در این بانک ها از بانک های دولتی ساده تر است. به گفته دکتر پژویان مجموع بانک های خصوصی ایران حتی از کوچکترین بانک دولتی هم کوچکتر است: «در نتیجه قادر نیستند، نظام بانکی را تغییر دهند. در این وضعیت اگر بانک های خصوصی به توفیقی دست یابند، به خاطر عدم کارایی نظام بانکی دولتی است. وقتی بانک خصوصی در ۴۸ ساعت نیاز مشتری را رفع می کند، بدیهی است کار آنها رونق بیشتری می تواند بگیرد.»

برگردیم به مشکلات و اختلالاتی که صندوق های قرض الحسنه ممکن است در نظام بانکی کشور بوجود آورند. با آنکه هنوز مفهوم پولشویی در نظام مالی، اعتباری ایران چندان شناخته شده نیست و هنوز لایحه مبارزه با آن اجرایی نشده، اما انجام پولشویی از طریق مؤسسات نظیر قرض الحسنه ها احتمالی است